



لورل - هاردی» پا به میدان گذاشتند/ «بر باد رفته» رکورد زد

«مترو گلدوین مایر» دقیقا در سال‌هایی که رکود اقتصادی بر غرب حاکم بود توانست سر پا بایستد و ستارگانی چون لورل و هاردی و آثار مهمی چون «جادوگر شهر از» و «بر باد رفته» را خلق کند.

«مترو گلدوین مایر» دقیقا در سال‌هایی که رکود اقتصادی بر غرب حاکم بود توانست سر پا بایستد و ستارگانی چون لورل و هاردی و آثار مهمی چون «جادوگر شهر از» و «بر باد رفته» را خلق کند.

خبرگزاری مهر - مترو گلدوین مایر یا به اختصار «MGM» یکی از قدیمی‌ترین استودیوهای نیمه بزرگ یا مینی-ماژور در هالیوود است که در بخش نخست این گزارش مروری بر تاریخ شکل‌گیری آن داشتیم و در ادامه روند فعالیت این کمپانی در دهه ۴۰ قرن پیش را بررسی کرده و تاریخ این غول فیلمسازی را ورق می‌زنیم.

۱۹۳۰؛ یک دهه صدرنشینی

با افزوده شدن صدا به فیلم‌ها در اوایل دهه ۳۰ میلادی انقلاب بزرگی در صنعت سینما رخ داد. میلیون‌ها دلار صرف بازسازی و تجهیز سالن‌های سینما شد و بسیاری از ستاره‌ها که نخواستند و یا نتوانستند با این موج جدید کنار بیایند از صحنه حذف و با ستاره‌های جدید جایگزین شدند.

مترو گلدوین مایر نیز با وجود آن که یکی از آخرین کمپانی‌های بزرگی بود که به این ورطه وارد شدند، اما نهایت استفاده را از این فرصت برد.

نوای برادوی (۱۹۲۹) اولین فیلم موزیکال مترو گلدوین مایر و اولین فیلم ناطقی است که برنده جایزه اسکار بهترین فیلم سال شده است. فیلمی که تاثیر عمیقی بر ژانر فیلم‌های موزیکال بعد از خود گذاشت و بعضی ترانه‌هایش همچون «You Were Meant For Me» برای همیشه ماندگار شد.

«نوای برادوی» همچنین اولین فیلم موزیکال است که در آن از تکنیک فیلمبرداری رنگی تکنی کالر «Technicolor» استفاده شده است. مفهومی که برای علاقه‌مندان سینما چیزی بیشتر از یک اصطلاح تکنیکی است. تکنی کالر که قدیمی‌ترین شیوه‌ی فیلمبرداری رنگی نیز محسوب می‌شود یادآور دوران مهمی از تاریخ سینما است. دوره‌ای که کمپانی‌های بزرگ هر کدام برای ساخت فیلم‌های رنگی کلاسیک خود شیوه‌ای مخصوص داشتند تا اینکه این سیستم به عنوان شیوه‌ای کامل و دقیق و البته بسیار گرانبقیمت در میان کارگردانان بزرگ سینما مطرح شد.

رکود بزرگ؛ فرصتی طلایی

این دوران مصادف شد با سقوط آزاد شاخص‌های بورس و آغاز طولانی‌ترین و گسترده‌ترین بحران اقتصادی قرن بیستم که از آن به دوران رکود بزرگ یاد می‌شود اما تیم رویایی مترو گلدوین مایر از این تهدید یک فرصت ایده‌آل ساخت.

آن‌ها می‌دانستند مردمی که جیب‌هایشان خالی شده، علاقه‌مند به تماشای چه چیزی هستند و بهترین استعدادها و عوامل فنی خود را صرف ساخت موزیکال‌های شاد و شنگول و کمدی‌های حرفه‌ای و پرخرج و بسیاری فیلم‌های درخشان دیگر کردند. سیاستی که باعث شد آنها رکورد فروش خود در دهه ۳۰ را هر سال جابه‌جا کنند و با ۵۰ فیلمی که هر ساله روانه سینماها کردند بیش از هر کمپانی دیگری ستاره‌سازی کنند.

آنا کریستی (۱۹۳۰)، زن مطلقه (۱۹۳۰) و هورن بارزگان (۱۹۳۱) - که اولین فیلم غیر مستندی بود که در آفریقا فیلمبرداری شده بود- همگی فیلم‌های موفق و پرفروشی بودند که بزرگان سینما در آنها دنیای سینمای ناطق را تجربه می‌کردند.

یکی از بزرگترین ستاره‌های سینما در همین دوران پا به صحنه گذشت. «کلارک گیل» در فیلم روح آزاد (۱۹۳۱) و در نقشی فرعی به عنوان یک گانگستر چنان بازی تاترگذار و درخشانی از خود به جا گذاشت که تا ۶ سال بعد در نظرسنجی‌های ملی عنوان «پادشاه هالیوود» را در اختیار داشت و تا پایان دوران حرفه‌ایش نقش یک فیلم‌های سینمایی را بر عهده داشت.

اما نمونه شاخص این سال‌ها، گرند هتل (۱۹۳۲) است؛ اولین فیلمی که تمامی گروه بازیگران آن ستاره‌های سینما بودند. ستاره‌هایی چون «جان باریمور»، «جوان کرافورد» و «گرتا گاربو» - ستاره سرشناس سوئدی هالیوود - که دیالوگ می‌خواهم تنها باشم «I want to be alone» او در این فیلم یکی از ۱۰۰ دیالوگ برتر تاریخ سینما به انتخاب بنیاد فیلم آمریکا است.

«گرند هتل» همچنین تنها فیلم در تاریخ است که جایزه اسکار بهترین فیلم را برده بدون آن که در هیچ بخش دیگری نامزد شده باشد.

یکی از عوامل درخشش مترو گلدوین مایر در این سال‌ها، حضور «ایروین تالبرگ» به عنوان سرپرست بخش فیلمسازی بود. مردی که علی‌رغم سن کمش مهارت عجیبی در انتخاب بهترین فیلمنامه‌ها، بهترین بازیگران و بهترین عوامل فنی را داشت و با استعداد ذاتیش در پولسازی به مرد عجایب مشهور شده بود.

تالبرگ و همسرش «نورما شیرر» - یکی از سرشناس‌ترین بازیگران زن هالیوود- نمادی از یک زوج ایده‌آل در هالیوود بودند، اما خوشبختی آنها دوامی نداشت چراکه در ۱۹۳۶ سلامت جسمی تالبرگ رو به وخامت رفت و در نهایت در ۳۷ سالگی زندگی را ترک گفت. خاطره تالبرگ با ساختمان بزرگی که در مترو گلدوین مایر به نام و یاد او ساخته‌اند زنده نگه داشته شده است.

تالبرگ در دوران حیاتش رمان‌های ادبی زیادی را برای ساخت اقتباس‌های سینمایی انتخاب کرد. فیلم‌هایی چون شورش در

بونتی (۱۹۳۵) به کارگردانی «فرانک لوید» و برنده جایزه اسکار بهترین فیلم سال، خاک خوب (۱۹۳۷)، ناخداهای دلیر (۱۹۳۷) و به یاد ماندنی ترین آن ها، ماری آنتوانت (۱۹۳۸) که فیلمی بر اساس رمانی از «اشتفان تسوایگ» درباره ماری آنتوانت واپسین ملکه پیش از [انقلاب کبیر فرانسه](#) است و آخرین پروژه تالبرگ محسوب می شد و پس از مرگ او به نمایش درآمد. همسر او نورما شیر با وجود تالامات ناشی از مرگ شوهرش به نقش خود در فیلم وفادار ماند تا یکی از گرانترین فیلم های دهه ۳۰ ساخته شود.

بعد از مرگ تالبرگ، مدیر عامل کمپانی «لوئیس مایر» هدایت کار را بر عهده گرفت و کمپانی را بیش از پیش به ساخت فیلم های با کیفیت متعهد ساخت.

در دهه ۳۰ مترو گلدوین مایر علاوه بر تولیدات خود پخش مجموعه ای از فیلم ها و مجموعه های کوتاه استودیوی «Hal Roach» را نیز بر عهده داشت. فیلم هایی عمدتاً کوتاه و کمدی که شاخص ترین و سودآورترین آنها «لورل - هاردی» بود. مجموعه ای کمدی با بازی «استن لورن» و «الیور هاردی» که یکی از تاثیرگذارترین زوج های کمدی جهان را ساختند و تقلیدهای زیادی در دنیا از روی آنها ساخته شد که نمونه ایرانی با نام مجموعه «چاق و لاغر» در اذهان ما ماندگار شده است.

و سرانجام رویاسازان به بهشت می روند

اما بی شک طلایی ترین دوران مترو گلدوین مایر در تمام طول تاریخش در ۱۹۳۹ میلادی به وقوع پیوست. زنان (۱۹۳۹) - با بازی بیش از ۱۳۰ زن بدون حضور حتی یک بازیگر مرد- خداحافظ آقای چیپس (۱۹۳۹) - که در رتبه ۷۲ بهترین فیلم های انگلیسی زبان به انتخاب بنیاد فیلم انگلستان جای دارد - و بی تجربه ها (۱۹۳۹) که یکی از ده فیلم پرفروش آن سال بود همگی مقدمه ای برای دو اتفاق بزرگ بودند.

موزیکال فانتزی جادوگر شهر از (۱۹۳۹) به کارگردانی «ویکتور فلمینگ» اقتباسی بسیار موفق از کتابی به همین نام نوشته «ال. فرانک باوم» بود. داستانی درباره دختر کوچکی به نام دوروتی و سگش توتو که خانه شان توسط باد به سرزمین از برده می شود و ماجرای همراهی او با مترسکی که مغز ندارد، آدم آهنی ای که قلب ندارد و شیر بزدلی که شجاعتش را از دست داده برای پیدا کردن جادوگر نیکوکار شمال تا با کمک او به خانه بازگردد.

«جادوگر شهر از» که یکی از گرانترین پروژه های مترو گلدوین مایر بود با ۲۲ میلیون دلار فروش در گیشه درخشید و به لیست بهترین فیلم های تاریخ سینما راه یافت و به یکی از نمادهای فرهنگ آمریکا تبدیل شد و به عنوان اثری با تاثیرات برجسته فرهنگی، تاریخی و زیبایی شناسانه در کتابخانه کنگره آمریکا ثبت شده است.

اما حتی درخشش جادوگر شهر از زیر سایه ستاره بزرگتری قرار گرفت.

این ستاره فیلم رمانتیک، تاریخی و حماسی بر باد رفته (۱۹۳۹) بر اساس کتابی جاودان به همین نام نوشته «مارگارت میچل» بود که برای خلق این کتاب جایزه ادبی پولیتزر را از آن خود کرده بود.

«ویکتور فلمینگ» که جادوگر شهر از را هم او کارگردانی کرده بود هدایت این فیلم را بر عهده داشت. «بر باد رفته» با بازی جاودان «کلارک گیبل» در نقش رت باتلر و «ویوین لی» در نقش اسکارلت اوهارا روایت عشق یک دختر جنوبی در خلال جنگ داخلی آمریکا را به تصویر می کشد.

فیلم با تاخیرها و مشکلات زیادی مواجه شد و تنها در یک مورد تولید آن دو سال برای به خدمت گرفتن کلارک گیبل و مصاحبه با ۱۴۰۰ زن برای نقش اسکارلت اوهارا متوقف ماند. ولی همه ی این مصائب با اکران فیلم به فراموشی سپرده شد. چرا که فیلم جای خود را به سرعت بین مردم و منتقدان باز کرد، ده جایزه اسکار دریافت کرد و به لیست بهترین آثار سینمایی راه یافت و از همه مهم تر مردم برای دیدن آن در جلوی سالن ها سینما صف کشیدند و رکوردی افسانه ای در گیشه به جا گذاشته شد.

«بر باد رفته» در سال ۱۹۳۹ با تنها ۴ میلیون دلار بودجه ساخت بیش از ۳۹۰ میلیون دلار فروش کرد تا عنوان پر فروش ترین فیلم تاریخ صنعت سینما تا به امروز را در اختیار داشته باشد.

این فیلم با احتساب تورم و به ارزش امروز چیزی بیشتر از سه میلیارد و چهار صد و چهل میلیون دلار فروش کرده است و بالاتر از فیلم هایی چون آواتار، جنگ ستارگان و تایتانیک قرار گرفته است.

«بر باد رفته» نمادی از عصر پر افتخار و غرش شیر مترو گلدوین مایر در دهه ۳۰ آمریکا است. تنها کمپانی فیلمسازی که در دوره رکود اقتصادی آمریکا سودده بود و زیر مجموعه های خود را گسترش داد.